خبر

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا:

۲ نوع اتوبوس جدید اسکانیا مجوز شماره‌گذاری گرفتند

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا گفت: از پنجشنبه دو مدل جدید از اتوبوس‌های اسکانیا مجوز شماره‌گذاری دریافت کرده‌اند.

سردار تقی مهری دیروز در نشست خبری با حضور خبرنگاران درباره شماره‌گذاری اتوبوس‌های جدید اسکانیا گفت: از نیمه سال ۹۲ به دلیل حوادثی که برای اتوبوس‌های اسکانیا رخ می‌داد، شماره‌گذاری این اتوبوس‌ها متوقف شد و ادامه شماره‌گذاری منوط به رفع نواقص از سوی شرکت اسکانیا و ایجاد ایمنی‌های لازم برای راننده و مسافران آن شد؛ به همین دلیل از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت اسکانیا، تولید این خودرو در کشور متوقف شد.

او افزود: اخیرا از سوی سازمان ملی استاندارد و وزارت صنعت و معدن، دو مدل جدید این اتوبوس‌ها توسط شرکت عقاب‌افشان به پلیس راهور معرفی شده که با توجه به رفع نواقص موجود در مدل‌های قدیمی‌تر، از روز پنجشنبه اتوبوس‌های جدید مدل (۴۲۱۲) «مارال» و «درسا» اسکانیا مجوز شماره‌گذاری از سوی پلیس راهور را کسب کرده‌اند.

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا گفت: این نوع اتوبوس‌ها با مدل‌های قبلی تفاوت‌هایی دارد که از جمله آن می‌توان به ایجاد استحکام در سقف و ستون، عایق‌بندی مناسب، رفع نقص سیستم برق‌رسانی در اتوبوس‌ها و همچنین استفاده از باک‌های استاندارد تحت استاندارد شرکت اسکانیا اشاره کرد.

سردار مهری گفت: پلیس نسبت به اتوبوس‌های قبلی اسکانیا که همچنان در مسیرهای بین‌شهری در حال تردد هستند، دغدغه دارد؛ از این رو فراخوانی از سوی سازمان استاندارد صورت گرفته تا نسبت به رفع نواقص اتوبوس‌های در حال تردد تصمیمات مقتضی صورت گیرد.

او افزود: مدل‌های قبلی اسکانیا با عنوان (۴۲۱۲ کلاسیک) تنها در صورت رفع نواقص، اجازه تردد و شماره‌گذاری خواهند داشت.

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا در ادامه با اشاره به بازدیدهایی که از سوی بازرسان فنی پلیس راهور از محل تولید و همچنین خط مونتاژ این شرکت صورت گرفته است، افزود: این اتوبوس‌ها نسبت به گذشته از استانداردهای بالاتری برخوردار هستند.

سردار مهری همچنین با اشاره به این که ۷۰ درصد کشته‌ها در سانحه تصادفات اتوبوسی مربوط به کشته‌شدگان اتوبوس‌های اسکانیا هستند، افزود: نکته‌ای که در مورد اتوبوس‌های اسکانیا باید مورد توجه قرار گیرد، بحث معاینه فنی این خودروهاست که باید به صورت دوره‌ای و منظم انجام و چک شود.

او با اشاره به این که دو حادثه وحشتناک جاده فیروزکوه و چالوس مربوط به اتوبوس‌هایی بودند که از نوع قدیمی شماره‌گذاری محسوب می‌شدند، افزود: در بحث آمارهای کلی، ۱۵ درصد اتوبوس‌های سراسر کشور مربوط به اتوبوس‌های اسکانیاست؛ به همین دلیل بحث ایمنی این قبیل اتوبوس‌ها برای پلیس راهور بسیار جدی و حایز اهمیت است.

رئیس اورژانس کشور تأکید کرد:

استفاده غیردرمانی از وسایل امدادی ممنوع است

شهروند| رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی کشور تأکید کرد: «هرگونه استفاده غیردرمانی از وسایل امدادی ممنوع است، در صورتی که در این خصوص گزارشی مبنی بر تخلف از سوی آمبولانس‌های خصوصی صورت گیرد، با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.» امین صابری‌نیا درباره نحوه نظارت بر آمبولانس‌های بخش خصوصی گفت: «اگر از یک وسیله نقلیه امدادی برای امور شخصی استفاده شود، تخلف به شمار می‌رود و در نامه‌ای نیز به دانشگاه‌های علوم پزشکی تاکید کرده‌ایم که در صورت مشاهده تخلف، برخوردهای قانونی را صورت دهند.»

او افزود: «اگر موردی خلاف قانون صورت گیرد، پرونده آمبولانس خصوصی به کمیسیون ماده ۱۱ در دانشگاه مربوطه رفته و در آن دانشگاه مقامات قضایی و اجرایی مانند قاضی، معاونت درمان و تعزیرات حکومتی تصمیم‌گیری می‌کنند و براساس قوانین تعزیرات با متخلف برخورد لازم انجام می‌شود.»

به گفته صابری، در صورت تشخیص تخلف، با افراد خاطی برخورد می‌شود که می‌تواند شامل جریمه‌های نقدی، زندان و پلمب کردن آمبولانس خصوصی باشد که درنهایت در صورت تشخیص به پلمب کردن آمبولانس خصوصی، پرونده به کمیسیون ماده ۲۰ ارسال و لغو پروانه می‌شود.

رئیس اورژانس کشور با اشاره به این که مردم و ارگان‌ها می‌توانند تخلفات آمبولانس‌های خصوصی را گزارش دهند، افزود: «پلیس راهنمایی و رانندگی می‌تواند این آمبولانس‌ها را مورد بررسی قرار دهد، به گونه‌ای که این آمبولانس‌ها تنها موظف به انتقال بیمار یا جسد بوده و در صورت اقدامی جز شرح وظایف مشخص باید تخلف آنها گزارش شود.»

صابری‌نیا ادامه داد: «مرکز فوریت‌های پزشکی کشور تنها در صورتی می‌تواند به تخلفات آمبولانس‌های بخش خصوصی رسیدگی کند که مواردی از شکایت گزارش شده باشد و پس از دریافت گزارش، تخلف صورت گرفته مورد بررسی قانونی قرار می‌گیرد.» او تاکید کرد: «براساس قانون، هرگونه استفاده غیردرمانی از وسایل امدادی ممنوع است.»

عکس: سعید غلامحسینی/شهروند

انباشت فاضلاب و ضایعات در یکی از بخش‌های از کار افتاده تصفیه‌خانه

به دلیل نقص فنی حوضچه های تصفیه رخ داد

دردسرهای بوی تعفن در شمال غرب تهران

شیده لالمی| افزایش بوی فاضلاب و تعفن در بخشی از محله‌های غرب و شمال غربی تهران مردم را کلافه کرده است. آنها می‌گویند شدت بوی فاضلاب در هوا به‌حدی است که در این هوای گرم نه می‌توانند کولرهایشان را روشن و نه پنجره‌ها را باز کنند. شیوع بیماری‌های پوستی و بعضا چشمی در میان آنها، که منشأ آن گزیده شدن توسط پشه‌های آلوده بوده، نشان می‌دهد روان شدن فاضلاب انسانی در این منطقه از تهران علاوه بر بوی بد، مشکلات جدی برای سلامت انسان‌ها ایجاد کرده است.

چند هفته است ساکنان تعدادی از محله‌های شمال غربی تهران از افزایش بوی فاضلاب شکایت می‌کنند و در تماس با رسانه‌های مختلف از آنها می‌خواهند تا درباره این مشکل بنویسند. بویی که در بخشی از محله‌های شمال غربی تهران پیچیده، بوی تعفن شدیدی است که به گفته مردم روزهای تعطیل و شب‌ها بیشتر می‌شود و شدت آن به اندازه‌ای است که حتی سرنشینان خودروهای سواری که از بزرگراه‌های همت و شیخ فضل‌الله می‌گذرند هم آن را استشمام می‌کنند. دردسرهای این بو هفته گذشته، «احمد مسجدجامعی»، عضو شورای اسلامی شهر تهران را هم به این منطقه کشاند و او پس از بازدیدی از انحراف لوله فاضلاب دو هتل بزرگ تهران، یعنی هتل‌های اوین و آزادی و ورود فاضلاب آنها به رودخانه ونک خبر داد و گفت: «این مسأله شرایطی را برای مردم ایجاد کرده که بسیار آزاردهنده است.»

مردمی که مسجدجامعی از آنها حرف می‌زند عمدتا ساکنان ناحیه ۲ شهرداری منطقه تهران و همچنین آن دسته از ساکنان شهرک غرب را شامل می‌شوند که خانه‌های آنها در نوار حاشیه‌ای شهرک غرب با بزرگراه شهید همت قرار گرفته است. نقطه اشتراک همه این خانه‌ها نزدیکی نسبی با مسیل و درواقع رودخانه‌ای است که پس از گذر از منطقه اوین و درکه به سمت ونک می‌رود و همه آنها در ساعات مختلف روز به‌ویژه شب‌ها بوی فاضلاب به مشامشان می‌رسد و در هوای خانه‌هایشان می‌پیچد. به همین دلیل هم هست که این روزها که بوی فاضلاب بلند شده همه می‌گویند هر چه هست از همین کانال و رودخانه است که آب آن در بالادست آلوده شده و با خود بوی تعفن می‌آورد. این بالادست کجاست؟

بواز کجا می‌آید؟

شمال شهرک نیایش و در میانه خیابان شهید سوری، کمی پایین‌تر از مجتمع‌های سه‌گانه آتی‌ساز، باغ شاتوتی هست که دور آن را فنس‌های فلزی سبز رنگ کشیده‌اند. وسط این باغ در یک کلبه کوچک سرایداری «سعید»، که یک مهاجر افغان است به تنهایی زندگی می‌کند و کارش نظارت بر روند تصفیه فاضلابی است که از بالادست می‌آید. وسط باغ، فاضلاب در دو حوضچه بزرگ بدبوی سیاه رنگ هم می‌خورد و در کناره‌های حوضخانه فاضلاب و لجن و فضولات انسانی ایستاده است. آن طرف کولر فایر تصفیه‌خانه، مرحله دیگری از تصفیه آب را انجام می‌دهد و پس از آن آب وارد حوضچه‌های کلرزنی می‌شود و پس از کلرزنی، آب تصفیه شده وارد مسیل رودخانه می‌شود. این فرآیند را «سعید» نشانمان می‌دهد و می‌گوید: «ما فاضلاب خام را وارد رودخانه نمی‌کنیم. مردم می‌آیند این جا داد و بیداد می‌کنند اما شما خودتان ببینید آب نهایی که از این تصفیه‌خانه وارد رودخانه می‌شود شفاف است.» اتاقک کلرزنی این تصفیه‌خانه پر از بشکه‌های کلر با تاریخ مصرف روز است و دستگاه‌های تصفیه آب کار می‌کنند. همان زمانی که سعید توضیح می‌دهد که فرآیند تصفیه فاضلاب در این باغ شاتوت قدیمی چطور انجام می‌شود، گشت کلانتری محلی هم می‌رسد. یکی از ماموران پلیس می‌گوید: «این مسأله بو همیشگی است. بحث امسال نیست، سالهاست این مشکل وجود دارد. شب‌ها هم بیشتر می‌شود. شب‌ها که گشت می‌زنیم دیده‌ام که این دستگاه را خاموش کرده‌اند.»

ساکنان خانه‌های پیرامون این تصفیه‌خانه هم می‌گویند شب‌ها و روزهای تعطیل این دستگاه‌ها را خاموش می‌کنند اما «سعید»، نگهبان این باغ و کارگر تصفیه‌خانه می‌گوید: «این حرف‌ها را باور نکنید. این دستگاه‌ها همیشه روشن است مگر این که نقص فنی پیدا کند و برای تعمیرات لازم باشد که آنها را خاموش کنند.»

تصفیه‌خانه‌ای که وسط این باغ شاتوت به صورت سرباز فعالیت می‌کند، قبل از انقلاب ۱۳۵۷ برای تصفیه و دفع فاضلاب شهرک آتی‌ساز ساخته شد. آتی‌ساز یکی از شهرک‌هایی است که در زمان خود با استانداردهای دقیق شهرسازی و مهندسی با ۲۳ برج ۱۲ تا ۲۸ طبقه و ۲۲۹۰ واحد مسکونی در سه فاز ساخته شد و یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌ها و شهرک‌های تهران است. فاضلاب این مجتمع بزرگ پس از ساخت و بهره‌برداری در همین باغ شاتوت تصفیه می‌شد و هنوز هم همین‌جا تصفیه می‌شود اما این تصفیه‌خانه نه چندان بزرگ نه فقط فاضلاب شهرک بزرگ آتی‌ساز که فاضلاب هتل‌های اوین و آزادی، مسجد حضرت الزهرا(س) و یک مجتمع مسکونی دیگر به نام مجتمع سامان را هم تصفیه می‌کند. اینها را «شاهماری»، مشاور حقوقی هتل آزادی به «شهروند»، می‌گوید. به گفته او بهره‌برداران از این تصفیه‌خانه برای اداره آن یک کمیته راهبردی تشکیل داده‌اند که متشکل از استفاده‌کنندگان فعلی آن مجموعه است و حتی یک مدیر اجرایی هم دارد. شاهماری گفت: «چند سال پیش تمام تجهیزات آن را هم بازسازی کردیم. البته میزان استفاده هتل‌ها ۲۵ درصد از ظرفیت این تصفیه‌خانه است و بقیه ظرفیت در اختیار سایر بهره‌برداران است و پیمانکار آن را اداره می‌کند و نباید مشکلی داشته باشد، مگر این که مشکلی پیدا کرده که ما مطلع نیستیم.»

این تصفیه‌خانه اما به تازگی مشکلاتی پیدا کرده است. از نقطه‌ای در باغ شاتوت، بوی بسیار تندی می‌آید. منشأ این بوی شدید و تهوع‌آور ضایعات، یکی از دستگاه‌های کولر فایر تصفیه‌خانه است که از یک‌سال پیش از کار افتاده، «سعید»، تنها کارگر تصفیه‌خانه به «شهروند»، می‌گوید: «این تصفیه‌خانه را آلمانی‌ها ساخته بودند. تجهیزاتش ایرانی نبود، چندسال قبل این کولر فایر به مجموعه اضافه شد اما کار نمی‌کند و خراب شده» داخل مخزن کولر فایر پر از فضولات و لجن بسیار متعفن و بدبوست و مگس‌ها و پشه‌ها روی این فضولات جشن و گردهمایی گسترده‌ای دارند. به نظر می‌رسد بخشی از بوی شدیدی که در منطقه می‌پیچد از همین نقطه است اما نکته دیگری هم هست و آن نقص فنی در پره‌های حوضچه‌های تصفیه‌خانه است. «سعید»، در این باره به «شهروند»، می‌گوید: «کوبلین یکی از حوضچه‌ها شکسته است. هر حوضچه ۴ کوبلین دارد. یکی از کوبلین‌ها شکسته است و به همین دلیل آب خوب به هم نمی‌خورد و ضایعات می‌آید روی آب می‌ایستد و بوی تعفن در هوا پخش می‌شود و شاید هم اگر بو زیاد شده به همین دلیل بوده. آفتاب هم هست و گرما بوی بد را بیشتر می‌کند.»

آن‌طور که «سعید» می‌گوید، دو روز قبل پیمانکار آمده و برای تعمیرات جدید و رفع این مشکل اقدام کرده است.

جدا از این تصفیه‌خانه، پیگیری‌های «شهروند»، نشان می‌دهد منبع بوی بدی که در هفته‌های اخیر در بخشی از محله‌های اوین، شهرک غرب و سعادت‌آباد پیچیده ناشی از تصفیه‌خانه دیگری در تقاطع همت و شیخ فضل‌الله هم هست. این را «محسن پیرهادی»، عضو کمیسیون نظارت شورای شهر تهران به «شهروند»، می‌گوید: «بررسی‌هایی که ما انجام دادیم نشان می‌دهد این بوی بد ناشی از دو تصفیه‌خانه است یکی پایین برج‌های آتی‌ساز و بالای محله اسلام‌آباد و دیگری زیر پل شیخ فضل‌الله است که تصفیه فاضلاب شهرک غرب را انجام می‌دهد. هر دو تصفیه‌خانه، روباز هستند و با افزایش گرمای هوا مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرده‌اند. مسئولیت در این زمینه متوجه اداره آب و فاضلاب است و متاسفانه به‌رغم پیگیری‌های زیادی که انجام شده، هنوز کاری انجام نشده است و این شرایط هم زیبنده تهران نیست.»

بیماری‌های پوستی برای مردم بوی بد برای منطقه

تصفیه روباز فاضلاب در خیابان سوری در منطقه ۲ نه فقط باعث بوی بد که موجب رواج بیماری‌های پوستی در میان ساکنان این منطقه شده است. یکی از ساکنان این منطقه که زنی میانسال است، به «شهروند»، گفت: «بچه‌هایمان مریض شدند و ما دیگر نمی‌توانیم این جا زندگی کنیم. بوی فاضلاب خیلی شدید شده است. اغلب وقتی اعتراض می‌کنیم ۲۰ روز تا یک ماه این بوی بعد کم و قطع می‌شود و باز دوباره بوی تعفن بالا می‌گیرد. با این بوی وحشتناک حتی میهمان نمی‌توانیم دعوت کنیم. الان برای دخترم می‌خواهد، خواستگار بیاید اصلا خجالت می‌کشیم به آنها بگوییم که بیایند.» صورت یکی دیگر از ساکنان هم جای تورم‌های قرمز کوچکی است که به گفته او پزشکان گفته‌اند دلیلش گزش یک پشه آلوده است. خودش می‌گوید: «۷۰۰ هزار تومان تا الان خرج درمان این تورمی شده که به چشمم هم سرایت کرده است.» جدای از این دستان بعضی از بچه‌ها، پر از برآمدگی‌های کوچک آبداری شبیه تاول است که برای آنها تشخیص مشابهی داده شده: «پشه گزیدگی یا گزش توسط یک حشره آلوده».

پیمانکاران آب و فاضلاب آمدند

در روزهای اخیر و با بالا گرفتن ماجرای بوی تعفن در این منطقه از تهران، اداره آب و فاضلاب واکنشی نشان نداده و تنها مدیر روابط عمومی آن دیروز در گفت‌وگویی با خبرآنلاین گفته بود فاضلاب منطقه وسیعی در این بخش از تهران مشکل دارد و آنها منتظرند مجوز حفاری برایشان صادر شود تا کار را شروع کنند.

برای مردمی که بوی تند فاضلاب این روزها آنها را کلافه کرده اما «علیرضا جعفری»، شهردار ناحیه ۲ منطقه ۲ خبرهای تازه‌ای دارد. او به «شهروند»، می‌گوید: «موضوع بحث فاضلاب بخش بزرگی از شهر است و نمی‌توان تصفیه‌خانه را تعطیل کرد. همیشه هم این‌طور نیست که بوی فاضلاب شدید باشد. بعضی روزها از جمله همین جمعه‌ای که گذشت شدت بو بسیار زیاد و آزاردهنده بود اما به‌هرحال این ماشین‌های تصفیه‌خانه هم مکانیکی هستند و خراب می‌شوند. تا زمانی که شبکه اگو به این جا نرسد کاری نمی‌توانیم بکنیم.»

به گفته جعفری، سیستم‌های جدید تصفیه فاضلاب در شهرها رو باز نیست و این سیستم‌ها قدیمی است و پیامدهایی هم دارد از جمله همین بوی آزاردهنده‌ای که در منطقه می‌پیچد. جعفری یک خبر خوب هم داشت. خبر خوب این که از هفته گذشته پیمانکاران اداره فاضلاب در منطقه و زیر پل ولایت مستقر شده‌اند: «از ما جا خواستند و الان هم پیمانکاران آب و فاضلاب در منطقه مستقرند و کار آغاز شده است.»

آنطور که جعفری می‌گوید خود آنها اعلام کرده‌اند که تا ۶ ماه دیگر این منطقه از جمله همین مجتمع‌ها و هتل‌ها به شبکه فاضلاب شهری متصل خواهند شد اما جعفری می‌گوید احتمالا بیش از ۶ ماه و شاید تمام کار حدود یک سالی زمان ببرد.

گزارش مرکز آمار نشان داد

زنان شهری، تحصیلکرده، شاغل و جزو طبقه بالا؛ پیشگامان تأخیر در فرزندآوری

شهروند| نرخ باروری در سه دهه اخیر روندی کاهشی را بین تمامی اقشار داشته است و زنان شهری، تحصیلکرده، شاغل و طبقه اقتصادی و اجتماعی بالا، پیشگامان تأخیر در فرزندآوری بوده‌اند.

براساس گزارش مرکز آمار از نرخ باروری در ایران، نرخ باروری برای شاغلین و غیرشاغلین به ترتیب ۱/۱ و ۱/۹ فرزند است و این در حالی است که این نرخ از ۲،۵ در دوره پنج ساله ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ به ۱،۱ فرزند در دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ برای شاغلین و در همین مدت‌ها از ۳،۳ به ۱،۹ فرزند برای غیرشاغلین رسیده است.

بر این اساس نرخ باروری برای افراد با تحصیلات عالی و بی‌سواد به ترتیب ۱/۲ و ۲/۶ فرزند است. همچنین این نرخ برای افراد با موقعیت و جایگاه اقتصادی بالا و پایین به ترتیب ۱/۴ و ۲/۳ فرزند است.

همچنین میزان باروری کل هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی روندی کاهشی را تجربه کرده و الگوی نرخ باروری در نقاط شهری و روستایی نزدیک به هم شده است به‌طوری که در مناطق شهری که در همه ادوار باروری پایین‌تری نسبت به مناطق روستایی را تجربه کرده است، میزان باروری کل از ۲،۹ فرزند در دوره پنج ساله ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵، به ۱،۷ فرزند در دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ کاهش یافته است. در مناطق روستایی، باروری در دوره‌های مشابه به ترتیب ۴،۴ و ۲،۲ فرزند بوده است.

میزان باروری به تفکیک سطح تحصیلات نشان می‌دهد که باروری زنان بی‌سواد، با سواد ابتدایی (پایین)، متوسطه (متوسط)، و عالی (بالا) در فاصله دوره‌های مطالعه به ترتیب از ۴،۴ به ۲،۶، ۳،۵ به ۲،۲، ۲،۵ به ۱،۸ و ۱،۸ به ۱،۲ فرزند کاهش یافته است. این آمار نشان می‌دهد که طی سه دهه اخیر نرخ باروری برای همه اقشار جامعه کاهشی بوده است. همچنین طبق این گزارش با این که احتمال تولد همه فرزندان طی بیست‌سال اخیر کاهش یافته است ولی نقش متغیرهای اقتصادی - اجتماعی در احتمال تولد فرزندان دوم به بعد بیشتر از فرزندان اول و دوم است. به عبارت دیگر فرزندان اول و دوم با عمومیت بیشتری متولد می‌شوند ولی ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی زنان عامل مهمی در تولد فرزندان رتبه‌های بالاتر است.

بعد از کاهش باروری به زیر نرخ جانشینی، الگوی فرزندآوری جدیدی که شامل عدم فرزندآوری و به عبارتی تأخیر در سنین زیر ۳۰ سال و جبران در سنین بالای ۳۰ سال است، در ایران در حال شکل‌گیری است. زنان تحصیلکرده و تا حدی طبقات بالا در حال تجربه این الگوی جدید و متمایز هستند.

کشور ایران در چند دهه اخیر تحولات جمعیتی بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. انتقال باروری و تنزل باروری به سطح زیر جانشینی یکی از مهم‌ترین تحولات جمعیتی است که در دهه اخیر توجه محافل علمی و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور را به خود معطوف کرده است.

شناخت عوامل اجتماعی و اقتصادی کاهش باروری در ایران و آگاهی از روند آتی رفتار باروری در ایران بر اهمیت مطالعه باروری می‌افزاید. در این پژوهش مرکز آمار از اطلاعات سرشماری ۱۳۹۰ و اطلاعات پیمایش جمعیت و سلامت ۱۳۸۹ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منظور برآورد چند متغیر باروری استفاده شده است.

روی خط خبر

در ۱۳ روزی که از تابستان گذشت ۶ آتش‌سوزی در جنگل‌های کشور رخ داد

یک روز در میان آتش‌سوزی در جنگل‌های کشور

شهروند| آتش که به جان آبیدر یاسوج افتاد، تعداد آتش‌سوزی‌ها به ۶ عدد رسید؛ ۶ آتش‌سوزی در ۱۳ روز. وقتی تقویم از آغاز تابستان حکایت کرد، آتش‌سوزی مراتع و جنگل‌های کشور هم به سریال تبدیل شد. آتش‌سوزی‌هایی که هر چند محدوده بسیار وسیعی را طعمه نکرد اما به هرحال درختان و مراتعی را سوزاند و خاکستر کرد.

پارک ملی پابند (هزار جریب) مازندران، نخستین آتش‌سوزی تابستان ۹۴ بود. آتش، ۸ هکتار از بکرترین عرصه‌های جنگلی این پارک را به خاکستر تبدیل کرد تا داستان آتش‌سوزی‌ها شروع شود. به گفته علی کلانه، رئیس پارک ملی پابند، محدوده وقوع آتش‌سوزی جزو بکرترین و بهترین نقاط پارک ملی پابند بوده و زیستگاه اصلی مرال، شوکا، خرس قهوه‌ای، پلنگ و سایر گونه‌های جانوری باارزش است. پوشش گیاهی این قسمت از جنگل عمدتا درختان راش و ممرز و با تراکم کمتر نمدار، بلوط، گیلاس وحشی و درختچه ارزشمند خاس بوده است که بر اثر آتش‌سوزی آسیب جدی دیده‌اند.

پس از آن چند روزی آرامش برقرار بود تا این که دهم و دوازدهم تیرماه، آتش تند شد و به جان ۵ نقطه از مناطق جنگلی و مرتعی کشور افتاد. دهم تیرماه بود که ۷ هکتار از جنگل‌های کلاردشت در آتش سوخت و این در حالی بود که همزمان خبر آتش‌سوزی در اراضی جنگلی دودانگه ساری و سوادکوه منتشر شد. دهم تیرماه، اراضی جنگلی مازندران دو آتش‌سوزی دیگر را هم تجربه کرد. علی‌اصغر احمدی مدیرکل مدیریت بحران استانداری مازندران، درباره این آتش‌سوزی با اعلام این که منطقه‌ای که آتش‌سوزی در آن رخ داده، سخت گذر بوده از سوختن دو هکتار از منطقه دودانگه‌سازی و هزار متر مربع از جنگل‌های سوادکوه خبر داد. او بالا بودن درجه هوا را عامل آتش‌سوزی اعلام کرد. براساس گزارش هواشناسی مازندران دمای هوا در روزی که آتش‌سوزی‌های مازندران اتفاق افتاد، ۴۱ درجه بالای صفر بود. پس از آن یک روز خبری از آتش‌سوزی در اراضی ملی نبود تا این که دو آتش‌سوزی دیگر اتفاق افتاد. این بار نوبت مراتع و جنگل‌های کهگیلویه و بویراحمد و کردستان بود، بخش‌هایی از آبیدر سنندج و کوه خامی گچساران خاکستر شدند که دلیل آن هم می‌تواند گرمای هوایی باشد که خود را به بالای ۴۰ درجه رسانده و خشکی زمینی که خشکسالی رمقی برای آن باقی نگذاشته است. به گفته مدیرکل منابع طبیعی کهگیلویه و بویراحمد، آتش‌سوزی کوه خامی حدود ۱۵ هکتار از جنگل‌های این منطقه را که عمدتا درخت بلوط هستند، طعمه حریق کرد. او خسارت‌های ناشی از آتش‌سوزی‌ها در استان را غیرقابل جبران عنوان کرده و گفته بود که «در سال گذشته در مجموع ۱۱۰ فقره آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع این استان رخ داد و هزار و ۱۴۰ هکتار از جنگل‌ها و مراتع استان در این آتش‌سوزی‌ها طعمه حریق شدند که می‌توان گفت آتش‌سوزی‌های سال گذشته بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان به منابع طبیعی این استان خسارت وارد کرد.» ششمین آتش‌سوزی در تابستان ۹۴، حریقی بود که دوازدهم تیرماه، جنگل آبیدر سنندج را سوزاند و سنندجی‌ها را برای مهار آتش بسیج کرد تا با هرچه در دست دارند، آتش را مهار کنند.

به گزارش ایسنا، آبیدر در سال‌های گذشته هم بارها در اثر بی‌احتیاطی دچار آتش‌سوزی شد اما این بار شدت آتش‌سوزی‌ها بسیار گسترده‌تر از دفعات قبل بود به گونه‌ای که تمام اقشار مردم اعم از زن و مرد و پیر و جوان برای نجاتش با کمترین امکانات تلاش می‌کردند. از همان ساعات اولیه که خبر آتش‌سوزی در آبیدر در گروه‌های مجازی پیچید، مردم شهر سنندج بدون منتظر ماندن برای کمک و یاری مسئولان با کمترین امکانات خود به این مکان رفتند. چند ساعت بعد، پس از اطلاع از این که آتش‌سوزی همچنان در حال گسترش است، افراد بیشتری به این مکان شتافته و با حداقل امکانات خود سعی می‌کردند سهمی در مهار آتش داشته باشند. هرچند که هنوز دلیل آتش‌سوزی گسترده آبیدر مشخص نیست اما حسن خدابنده‌لو، مدیرعامل جمعیت هلال احمر کردستان در این باره می‌گوید: «با توجه به گستره وسیع آتش در آبیدر می‌توان ادعا کرد دلیل آتش‌سوزی عمدی بوده چرا که آتش در نقاط مختلفی شعله‌ور شده که نمی‌توان گفت در اثر وزش باد پراکنده شده است.» هنوز مشخص نیست که چند هکتار از اراضی جنگلی آبیدر در آتش سوخته و خاکستر شده اما ششمین آتش‌سوزی تابستان امسال، ۲۰ مصدوم داشت. به گزارش ایرنا از نشست ستاد مدیریت بحران استان کردستان در سنندج، طیب قدیمی رئیس دانشگاه علوم پزشکی کردستان در این نشست گفته است که «آتش سوزی آبیدر ۲۰ مصدوم داشت که ۱۰ نفر آنها در محل مداوا شدند و ۱۰ نفر دیگر هم به مراکز درمانی منتقل شدند. از ۱۰ نفری هم که به مراکز درمانی اعزام شدند ۹ نفر آنها شب ترخیص شدند و تنها یک نفر که بیماری آسم دارد هنوز بستری است.» هنوز زمان زیادی از تابستان نگذشته و آتش‌سوزی‌ها خود را به سریالی تبدیل کرده‌اند که در ۱۳ روز، ۶ منطقه را سوزانده‌اند. به نظر می‌رسد تابستان امسال، تابستان سختی باشد و آتش‌سوزی‌های بسیاری را رقم بزند. در این شرایط رئیس سازمان مدیریت بحران کشور از خریداری ۱۸۶ دستگاه اطفای حریق مخصوص جنگل‌ها خبر داده و به فارس گفته است که «این دستگاه‌ها تا ۲ ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد.» زمانی که دیگر تابستان به پایان رسیده و آتش کمتر به جنگل‌ها و مراتع کشور سر می‌زند.